

اخلاق در حوزه
<div><span></span></div> <div>عوامل</div> <div><b>سبک شمردن گناه</b></div> <div>آیت‌الله شیخ عباس ایزدی <small>رحمته</small></div>

سؤال این است که چگونه با اینکه اعتقاد به خدا و ایمان به پیامبر صلی الله علیه و آله و ائمه طاهرین علیهم السلام داریم، گناه را کوچک می‌کنیم؟ در اینجا می‌توان عواملی و یا افکاری را ذکر کرد که سبب می‌شود، کاری را که مخالفت با خداست، کوچک بدانیم؛ از جمله اینکه گمان می‌کنیم، چون گناهان به کبیره و صغیره تقسیم شده‌اند، پس ارتکاب گناهان صغیره اشکالی ندارد.

البته فقها و علمای اخلاق در این زمینه دو دسته‌اند: بعضی از آنها می‌گویند: گناهان به دو دسته تقسیم می‌شوند: گناهان کبیره مانند: زنا، سرقت، آدم‌کشی، قسم دروغ، غیبت، اسراف و غیر اینها و گناهان کبیره مثل: یک نگاه لذت‌آمیز به نامحرم، روایات در باب گناهان کبیره مختلف است؛ بعضی روایات، شماره آنها را هفت مورد و بعضی، هفتاد مورد می‌دانند.

برخی روایات هم موافق با قول فقهایی است که گناهان را تقسیم به کبیره و صغیره کرده‌اند.

اما عده‌ای از علما معتقدند که همه گناهان کبیره‌اند؛ چون هر گناهی با قطع نظر از گناه دیگر، فی حد نفسه، مخالفت با خدا و معصیت و نافرمانی او و گناه کبیره است؛ منتها درجه بزرگی گناه نسبی و در مقایسه با گناهان پایین‌تر است و هر گناهی نسبت به گناه بالاتر صغیره است؛ مثل شراب‌خواری که نسبت به قتل نفس صغیره و همین شراب‌خواری نسبت به دزدی و نظریه نامحرم کبیره است.

امام زین‌العابدین علیه السلام در دعای ابوحمزه ثمالی می‌فرماید: **أَنَا الَّذِي عَصَيْتُ جَبَّارَ السَّمَاءِ** من آن کسی هستم که با جبار آسمان و زمین مخالفت کرده‌ام.

جبر به‌معنی قهر و غلبه است و جبار یعنی خدایی که بر تمام دستگاه هستی قهر و غلبه دارد. از دید امام سجاد علیه السلام هر گناهی نافرمانی خداست و کبیره به حساب می‌آید؛ بنابراین فرضاً مثل نگاه ناپاک، به خودی خود کبیره است و آثار بسیار سوئی دارد. در روایات امام صادق علیه السلام آمده است: «النَّظَرُ شَهْمٌ مَسْمُومٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ»؛ نگاه حرام و شهوت‌آمیز، تیری است از تیرهای شیطان». اگر کسی نگاه آلوده به ناموس دیگران کرد، رخنه‌ای به قلب او وارد می‌شود؛ زیرا همین نگاه او را به گناه بالاتر می‌کشاند. باباطاهر می‌گوید:

ز دست دیده و دل هر دو فریاد

که هر چه دیده بیند، دل کند یاد

بسازم خنجری نیشش ز فولاد

زسم بر دیده تاد دل گردد آزاد

درست است که نگاه به نامحرم نسبت به زنا، کوچک است؛ اما به نسبت آثار شومی که فی‌نفسه دارد، بزرگ است. شاید فقها این مطلب را نگویند؛ اما خود انسان می‌تواند حساب کند. از روایات هم می‌توان استفاده کرد که حتی یک نگاه که به نظر کوچک می‌آید، ممکن است به‌سبب شرایط و موقعیت و شأن و شخصیت افراد، آثار خیلی شومی داشته باشد؛ مثلاً مردم نگاه ناپاک یک عالم شهر را کبیره می‌دانند؛ اما اگر یک فرد معمولی آن را انجام دهد، آن را صغیره به حساب می‌آورند. این بزرگ و کوچک بودن گناه، به حسب زمان و مکان هم فرق دارد؛ مثلاً گناه در مسجد بزرگتر از گناه در بازار است یا گناه در روزهای مقدس، با روزهای معمولی تفاوت دارد. اعمال خیر هم این گونه‌اند. در روایات آمده اگر می‌توانید حتی یک عمل خیر را کوچک و نادیده نگیرید و انجام بدهید؛ چون ممکن است همان عمل اندک در نامه عمل، درخشنده باشد؛ مثلاً فردی زمانی مقدار کمی پول داشته و به مستحق داده و او هم بسیار محتاج بوده و کمک به او در محل خود انجام گرفته است؛ ولی ما از این نکته غافل بوده‌ایم. روزی که پرده از اعمال ما برداشته می‌شود، می‌بینیم آن عمل کوچک ما را روسفید کرده است؛ درصورتی که اعمال بزرگ چندان چشم‌گیر نیست.

پس حقیر شدن شمردن گناه به شخص جرأت می‌دهد تا آن را انجام دهد و در صدد اصلاح برنیاید و توبه نکند و رفته‌رفته، چنانکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند، مانند هیزم انباشته می‌شود. این نتیجه غرور گناهکاران و فساد است که معاصی را کوچک و ناچیز می‌شمارند.

- پی نوشت‌ها**

- من لایحضره الفقیه، ص۱۱؛
- مفاتیح‌الجنان، دعای ابوحمزه ثمالی.

## انتشار جلد ۴۳ موسوعه «المعجم فی فقه القرآن و سَرِّ بلاغته»

جلد ۴۳ موسوعه «المعجم فی فقه القرآن و سَرِّ بلاغته»، تحت اشراف آیت‌الله‌العظمی سبحانی منتشر شد.
به گزارش خبرگزاری شفقنا، موسوعه قرآنی «المعجم فی فقه‌القرآن و سَرِّ بلاغته» که به‌همت انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی منتشر می‌شود،

پیش از این تحت اشراف مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌زاده خراسانی بود که تا ۴۰ جلد آن، زیرنظر ایشان منتشر شد.
با رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌زاده خراسانی، این موسوعه (از جلد ۴۰ به بعد) از نظر علمی، تحت اشراف حضرت آیت‌الله سبحانی قرار گرفت و اکنون جلد ۴۳ از این موسوعه که به مدخل «ص» اختصاص دارد، منتشر شد.

www.ofoghhawzah.com



- محبت خدا و محبت دیگران**

محبت خدا دارای مراتبی است که در مرتبه نهایی، محبت قلب محب را به‌کلی فرا می‌گیرد و در کنار محبت خدا جایی برای محبت دیگری باقی نمی‌ماند؛ **أَنْتَ الَّذِي أَرْزَلْتَ الْأَعْيَارَ عَنْ قُلُوبِ أَجْيَانِكَ حَتَّى لَمْ يُجِئُوا سِوَاكَ** در این‌جا این شبهه پیش می‌آمد که در این صورت، جایگاه محبت اهل بیت علیهم السلام، اولیای خدا، مؤمنان و افراد دیگری که در روایات محبت آن‌ها مدح شده، کجاست؟ آیا کسی که محبت کامل به خدا پیدا می‌کند، دیگر پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام او را دوست نمی‌دارد؟ آیا چنین کسی دیگر پدر، مادر، فرزندان و همسرش را دوست نمی‌دارد؟ در پاسخ به این شبهه، به این نتیجه رسیدیم که با محبت کامل خدا، این محبت‌ها به‌صورت استقلالی ممکن نمی‌شود؛ ولی در مراتب نازل محبت خدا، این محبت‌ها به‌صورت استقلالی هم ممکن است و فقط باید کوشید که محبت خدا بر آن‌ها غالب باشد: **﴿وَالَّذِينَ آمَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ﴾**؛ البته محبت کامل به خدای متعال نیز منافاتی با محبت اهل بیت علیهم السلام ندارد و این به‌خاطر آن است که محبت اهل بیت علیهم السلام در این‌جا استقلال ندارد و از شئون محبت خداست. بارها اشاره کرده‌ایم که حقیقت محبت به‌گونه‌ای است که وقتی تحقق پیدا کرد، نور آن به لوازم و آثار محبوب نیز می‌تابد. از آنجا که اهل بیت علیهم السلام از خود استقلال ندارند و کمال آن‌ها این است که بنده کامل خدا هستند. این‌توان در کنار محبت کامل به خداوند، به آن‌ها نیز محبت پیدا کرد. این محبت نداشتن با محبت کامل به خدا منافات ندارد که حتی مطلوب و واجب نیز هست.

- درجات بهشت و جهنم**

ابوحمزه ثمالی از امام سجاد علیه السلام نقل می‌کند که ایشان فرمودند: **قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ: فِي الْجَنَّةِ ثَلَاثٌ دَرَجَاتٍ وَفِي النَّارِ ثَلَاثٌ دَرَكَاتٍ**. حضرت به‌طورکلی طبقات بهشت و جهنم را به سه دسته‌کلی تقسیم کردند. البته در برخی از روایات برای بهشت هفتاد و گاهی درجات فرعی بسیار بیشتری ذکر شده است؛ اما به‌طورکلی از یک نظر، به سه بخش تقسیم می‌شود. **فَأَعْلَى دَرَجَاتِ الْجَنَّةِ لِمَنْ أَحَبَّنَا بِقَلْبِهِ وَتَصَرَّنا بِلسَانِهِ وَتَدَبَّرَنا بِأَفْعَالِهِ** در قرآن نیز، با تعبیر **فِي الذِّكْرِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ** آمده است. این بخش جایگاه کسی است که هم در دل دشمن اهل بیت علیهم السلام است و هم به زبان بدگویی آن‌ها را می‌کند و هم با اعمالش علیه آن‌ها فعالیت می‌کند؛ و **فِي الْأَسْفَلِ ذِكْرٌ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ وَبَدِهَ وَفِي الذِّكْرِ الْآثَانِيَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ وَأَعَانَ عَلَيْنَا بِلسَانِهِ**؛ در قسمت میانی جهنم کسانی هستند که دشمنی خود با ما را اظهار نیز می‌کنند؛ اما فعالیتی علیه ما نمی‌کنند. و **فِي الذِّكْرِ الثَّالِيَةِ مِنَ النَّارِ مَنْ أَبْغَضَنَا بِقَلْبِهِ**؛ گروه سوم کسانی هستند که فقط در دل دشمن اهل بیت علیهم السلام هستند؛

- پرس و جو**

<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>		<div><div><span><span> </span> <span> </span></span></div><div></div></div>
<p>جهان همواره دست‌خوش تغییر و دگرگونی است و در واقع مجموعه‌ای است از خوشی‌ها و ناخوشی‌ها، آسایش و سختی‌ها، درشتی‌ها و نرمی‌ها، پستی‌ها و بلندی‌ها و...</p>		
<p>البته شاید این تنوع و فراز و نشیب در زندگی برخی افراد، کمتر و یا بیشتر از دیگران باشد؛</p>		
<p>ولی نمی‌توان کسی را یافت که زندگی او همیشه به یک صورت و یک‌نواخت باشد.</p>		
<p>اما از دیدگاه دین مبین اسلام، عوامل متعددی در این حوادث و بلاها اثرگذار است که علل مادی، تنها بخشی از آنهاست. آیت‌الله مصباح یزدی <small>رحمته</small> در سخنانی به این سؤال پاسخ گفته‌اند که در ادامه می‌خوانید.</p>		

## چرا محبان اهل بیت علیهم السلام به بلاها و سختی‌های بیشتری مبتلا می‌شوند؟

آیت‌الله مصباح یزدی رحمته

اما ترویج دشمنی نمی‌کنند.

- درجات محبت اهل بیت علیهم السلام**

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام از پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که ایشان به امیرمؤمنان علیه السلام فرمودند: **«مَثَلُكَ مَثَلُ قُلِّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ»**؛ مثل تو در میان مردم همانند سوره توحید است. **«فَإِنَّهُ مَنْ قَرَأَهَا مَرَّةً فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَ الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا مَرَّتَيْنِ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ ثُلُثَي الْقُرْآنِ وَمَنْ قَرَأَهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ فَكَأَنَّمَا قَرَأَ الْقُرْآنَ وَكَذَلِكَ مَنْ أَحَبَّكَ»**. در آن زمان این حدیث معروف بود که قرائت سوره توحید ثواب ثلث قرآن را دارد و هر کس سه بار سوره توحید را بخواند، مثل این است که همه قرآن را خوانده است. حضرت می‌فرماید: محبت تو همانند ذکر گفتن، نماز خواندن یا اعمال جوارحی نیست. محبت امیرمؤمنان علیه السلام اصلاً با اعمال دیگر طرف نسبت نیست. **«مَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثِ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ»**؛ اگر کسی فقط با قلبش تو را دوست بدارد، مثل این است که ثلث ثواب بندگان خدا را به او داده‌اند. **«وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَتَصَرَّك بِلسَانِهِ كَانَ لَهُ مِثْلُ ثُلُثَي أَعْمَالِ الْعِبَادِ»**؛ اگر کسی علاوه بر اینکه در دل تو را دوست می‌دارد، با زبان نیز اظهار محبت کند و محبت تو را به دیگران نیز منتقل کند، ثواب دو ثلث اعمال عباد را دارد. **«وَمَنْ أَحَبَّكَ بِقَلْبِهِ وَتَصَرَّك بِلسَانِهِ وَتَدَبَّرَ كَانْ لَهُ مِثْلُ ثَوَابِ أَعْمَالِ الْعِبَادِ»**؛ اما اگر علاوه بر این‌که محبت تو را در دل دارد و در زبان نیز آن را ترویج می‌کند، در عمل نیز تا پای جان برای تو فداکاری کند، خداوند ثواب همه کارهای خوب را به او می‌دهد. **«فَهُمْ لِنَفْسِ الْأَعْلَى، الْقَفَرُ وَالْفَاقَةُ وَأَوَّاعُ الْبِلَاءِ أَشْرَعُ إِلَيْهِمْ مِنْ رِغْصِ الْخَيْلِ»**؛ اینان در اعلی درجه محبت اهل بیت علیهم السلام قرار دارند. فقر و تنگدستی و انواع بلا با سرعت اسب تازی به سوی آن‌ها تاخت می‌کند. **«مَشَتْهُمْ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ وَزُلْزِلُوا وَفُتِنُوا فَمِنْ بَيْنِ مَجْزُوحٍ وَمَذْبُوحٍ مُتَفَرِّقِينَ فِي كُلِّ يَلَدٍ قَاصِيَةٌ»**؛ مورد اذیت، آزار و فتنه‌انگیزی واقع می‌شوند و در نتیجه زندگی‌شان به این‌جا می‌انجامد که در میدان مبارزه برای ما یا زخمی می‌شوند و یا ذبح‌شان می‌کنند.

همان‌طور که می‌بینید، در این روایت ملازمه‌ای بین محبت اهل بیت علیهم السلام و سرازیر شدن بلا و مصیبت مطرح شده است. در روایت دیگری که از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده ایشان می‌فرمایند: **«إِنْ كُنْتَ تُحِبُّنِي فَأَعُدْ لِلْفَقْرِ تَحْقِافًا وَاجْلِبَا»**؛ اگر واقعاً ما را دوست می‌داری، وسیله‌ای برای حفظ خودت فراهم کن. در گذشته کسانی که می‌خواستند به جنگ بروند، پوششی مانند زره بر خود و حتی اسب‌شان می‌انداختند که با آن خود را در مقابل تیراندازی‌ها محافظت می‌کردند. به این پوشش تجفاف می‌گویند. پیغمبراکرم صلی الله علیه و آله می‌فرمایند: اگر راست می‌گویی که ما را دوست داری، چنین زرهی برای بلا آماده کن! در روایت دیگری امیرمؤمنان علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل می‌کنند که ایشان فرمود: **«وَاللَّهِ لَلْفَقْرِ أَشْرَعُ إِلَى مُجْتَبِئِنَا مِنَ السَّيْلِ إِلَى بَيْتِي الْوَادِي»**؛ سیل وقتی در دره به راه می‌افتد، با سرعت پیش می‌رود. حضرت می‌فرماید: سرعت حرکت فقر به سوی کسی که ما را دوست دارد، از سرعت سیلی که از بالای قله به ته دره می‌آید، بیشتر است. حواست جمع باشد اگر مرد میدان هستی آماده باش! در روایت دیگری امام حسین علیه السلام می‌فرماید: **«وَاللَّهِ لِلْبِلَاءِ وَالْفَقْرِ وَالْقَتْلِ أَشْرَعُ إِلَى مَنْ أَحَبَّنَا مِنْ رِغْصِ الْبَرَّادِينَ وَمِنَ السَّيْلِ إِلَى صَفَرِهِ»**؛ بلا فقر و کشتار به سوی دوستان ما، سریع‌تر از اسب‌های بارکش و سیلی که به ته دره می‌رود، حرکت می‌کند.

## حمایت‌های مادی و معنوی از طرح‌های پژوهشی طلاب درباره حوزه و نظام

وی درباره شیوه ارسال مقالات و روند تأیید آن توسط

دبیرخانه، گفت: لازم است پژوهشگران محترم در سایت معاونت پژوهش، به قسمت « دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی» رفته و ضمن انتخاب یکی از کمیته‌های علمی معرفی‌شده، فایل‌های مربوطه را جهت تکمیل دانلود کنند. در نهایت فرم‌های طرح اجمالی و معرفی‌نامه تکمیل‌شده را درایتا به شماره۰۹۳۶۷۵۶۸۰۰@hdbirkhane.ir ارسال نمایند. پس و یا به آدرس hdbirkhane@hemail.ir ارسال نمایند. پس از بررسی و تأیید طرح، قرارداد پژوهشی منعقد می‌شود. وی در مورد زمان بررسی طرح نیز، گفت: بر اساس

دوشنبه ۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۱
۷ شوال ۱۴۴۳
۹ مه ۲۰۲۲
سال بیستم
شماره ۷۰۷

- رابطه محبت و بلا**

پرسشی که در این‌جا مطرح می‌شود، این است که چرا کسانی که محبت‌شان نسبت به اهل‌بیت علیهم السلام زیاد است، باید مبتلا به فقر و مصیبت شوند؟ این چه دستگاهی است که خداوند درست کرده که هرکس محبت بیشتری به اهل‌بیت علیهم السلام دارد، بلایش نیز بیشتر است؟ این پرسش، به سؤال ریشه‌دارتر و وسیع‌تری درباره اصل امتحان برمی‌گردد که چرا خداوند بندگانش را امتحان می‌کند؟ اگر خداوند خود می‌داند که کدام یک از بندگانش بهشتی و کدام جهنمی‌اند، چرا آنها را به این دنیا می‌آورد تا این مراحل را طی کنند و هر روز به امتحان و مشکلاتی مبتلا شوند؟ پاسخ این پرسش بحث مفصلی می‌طلبد که در گذشته به‌مناسبتی درباره آن بحث کرده‌ایم.۹ فی‌الجمله باید گفت، این امتحان از مغایمی است که قرآن با چند واژه امتحان، بلا، اختبار و تمحیص روی آن تأکید کرده و از سنت‌های قطعی خداوند است: **﴿الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا﴾**؛ اصل مرگ و زندگی در این عالم برای این است که خداوند شما را بیازماید. در پاسخ به پرسش مطرح-شده، باید گفت، تعبیر امتحان کردن همانند بسیاری از تعبیرات دیگری است که درباره خداوند متعال به‌کار می‌رود و باید تفسیر بشود. علمای علم کلام و تفسیر درباره این‌گونه تعبیرات گفته‌اند که به‌کار بردن این تعبیرات برای فهماندن به ما انسان‌هاست و جهات نقصی دارد که درباره خداوند باید آنها را حذف کرد. وقتی ما انسان‌ها کسی را امتحان می‌کنیم، غالباً می‌خواهیم چهل‌مان نسبت به او برطرف شود؛ ولی امتحان خدا برای این نیست؛ بلکه برای این است که شرایطی را فراهم آورد تا هرکس آنچه در دل دارد، بروز بدهد و اصلاً این عالم برای این هدف آفریده شده است. نطفه‌ای که منعقد می‌شود، خدا می‌داند که بناست به کجا برسد؛ اما تا قابلیت کفر، ایمان و فهم و شعور پیدا نکنند، رشد و کمالی برایش مطرح نیست. این عالم برای این است که شرایطی فراهم بشود که انسان رشد کند. همان‌گونه که بدن کودک رشد می‌کند و از هنگامی که نطفه‌ای بیش نیست تا سن جوانی تغییرات بسیاری در او حاصل می‌شود، در معنویات نیز برای اینکه به آنچه می‌خواهد برسد، باید با اختیار خودش انتخاب کند و حاجتی بر خدا نداشته باشد.

اصل امتحان در این عالم یک سنت الهی است و هر کس یک مرحله بالاتر می‌آید، طبعاً امتحان سخت‌تری پیش‌رو دارد. همان‌گونه که پرسش‌های امتحان سال دوم، سخت‌تر از سال اول است و هرچه انسان به پایه تحصیلی بالاتری وارد می‌شود، امتحانات سخت‌تری باید بدهد. اگر انسان در امور معنوی نیز رشد کرده باشد، باید امتحانات سخت‌تری بدهد. انسان برای دریافت کمالی که تأثیری فوق‌العاده در سعادت او دارد و با کمالات دیگر قابل مقایسه نیست، امتحانات بسیار دشواری پیش رو دارد. چنین کسی باید ثابت کند، چقدر پای محبتش می‌ماند و چقدر حاضر است، سختی‌ها را در راه محبوبش تحمل کند و خم به ابرو نیارد؛ بلکه شاد نیز باشد که می‌توانم، برای محبوبم ثابت کنم که من این همه درباره تو فداکاری می‌کنم. چنین کسی حتی از بلاهایی که می‌کشد، لذت نیز می‌برد.

- تاگزیرد هرکه بیرونی بود!**

محبت اهل بیت علیهم السلام موهبتی است که با هیچ چیز دیگر، قابل مقایسه نیست. این فضیلت را به هر کسی به-آسانی نمی‌دهند و برای دریافت آن باید استعداد آن را کسب کرد. برای دریافت اولین مرحله آن، امتحان کوچکی گرفته می‌شود. وقتی کمی رشد کرد، امتحان کمی سخت‌تر می‌شود و هر قدر بیش‌تر پیش برود، امتحان‌ها سخت‌تر می‌شود. این کمال به مرتبه‌ای همانند اصحاب سیدالشهدا علیه السلام می‌رسد که در روز عاشورا، آن امتحانات را باید پس بدهند. گفتند: اگر هفتاد بار کشته و زنده شویم، باز هم همین راه را ادامه خواهیم داد. آن‌ها قسم خوردند و سیدالشهدا علیه السلام نیز آن‌ها را تصدیق کرد. این ادعای آنان بلوف نبود. این بود که زمینه فراهم شد تا نشان دهند که برای فداکاری حاضرند یا نه. بنابراین دلیل اینکه برای محبان اهل‌بیت علیهم السلام امتحان سخت‌تری هست، این است که موهبتی که خداوند به آن‌ها می‌دهد، با هیچ چیز قابل مقایسه نیست. اگر بخواهند آن راه را بروند، باید استعدادش را کسب کنند و تدریجاً این مراحل را بگذرانند. اینکه می‌فرماید: دوستان ما به انواع بلاها مبتلا می‌شوند، برای همین است که صداقت‌شان در ادعایشان اثبات شود و زمینه رشد بیشتری پیدا کنند. آن رشد وقتی پیدا می‌شود که آن فداکاری‌ها را انجام بدهند و خداوند از آن لطفی که دارد، شرایطی فراهم می‌کند که بتوانند آن امتحان را بدهند و سرافراز از امتحان بیرون بیایند.

عشق ز اول سرکش و خونی بود	تاگزیرزد هرکه بیرونی بود <sup></sup>
<div><ul style="list-style-type: none"><li><b>پی نوشت‌ها</b></li></ul></div>	
۱. اقبال‌الاعمال، ج۱، ص۳۴۹؛	
۲. شوری، ۲۳؛	
۳. بحارالانوار، ج۲۷، ص۹۳؛	
۴. بحارالانوار، ج۲۷، ص۹۴؛	
۵. بحارالانوار، ج۶۵، ص۲۷۵؛	
۶. بحارالانوار، ج۴، ص۴؛	
۷. الاختصاص، ص۳۱؛	
۸. بحارالانوار، ج۶۴، ص۲۴۶؛	
۹. این مباحث را می‌توانید در کتاب «طوفان فتنه و کشتی بصیرت» بخوانید.	

نوع طرح و ازدحام کاری کمیته‌های علمی، در تلاشیم نتیجه طرح ارسالی را در کمتر از ۴۵ روز اعلام کنیم.
دبیر «دبیرخانه حمایت از طرح‌های پژوهشی»، با بیان نوع حمایت از طرح‌های پژوهشی گفت: سطح حمایتی دبیرخانه به دو صورت کلی «چاپ اثر» و «پرداخت حق‌الزحمه پژوهشی» بوده و کتاب‌ها غالباً در قالب انعقاد قرارداد و پرداخت حق‌الزحمه حمایت می‌شود. وی افزود: علاوه بر طرح‌نامه، آثار آماده نیز، قابل بررسی و انعقاد قرارداد حمایتی است؛ از جمله پایان‌نامه‌های دفاع‌شده که از حمایت «چاپ اثر» برخوردار می‌شوند. وی در مورد رزومه پژوهشگران عنوان کرد: رزومه باید در راستای طرح پژوهشی و بر اساس معیارهای پژوهشی باشد؛ البته رزومه علمی برای اعزاز توانمندی علمی نویسنده بوده و موضوعیت ندارد.



پیش از این تحت اشراف مرحوم حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌زاده خراسانی بود که تا ۴۰ جلد آن، زیرنظر ایشان منتشر شد.
با رحلت حجت‌الاسلام والمسلمین واعظ‌زاده خراسانی، این موسوعه (از جلد ۴۰ به بعد) از نظر علمی، تحت اشراف حضرت آیت‌الله سبحانی قرار گرفت و اکنون جلد ۴۳ از این موسوعه که به مدخل «ص» اختصاص دارد، منتشر شد.